

کتاب دانیال - شماره چهل و چهار

پرده برداری از بنیان‌های گمشده: حقایق پیشگویانه ویلیام میلر و واپسین روزهای ادونتیسیم

Jeff Pippenger

2024-01-08

حقایق بنیادین ویلیام میلر در طول چهار نسل ادونتیسیم پوشانده شدند. اعاده آن حقایق بنیادین در خواب دوم او ترسیم شده و در کتاب مقدس و روح نبوت بارها به عنوان کاری که قوم روزهای آخر خدا باید به انجام برسانند معرفی شده است. خواب میلر بیان می‌کند که وقتی مرد جاروب به دست جواهرات را بازگرداند، آن‌ها ده برابر روشن‌تر از خورشید خواهند درخشید.

چارچوب میلر بر شناسایی دو قدرت ویرانگر بت‌پرستی و پس از آن پاپی‌گری استوار بود، و شهادت رسول پولس در باب دوم تسالونیکیان تکیه‌گاه آن چارچوب را برای میلر فراهم آورد. در آنجا پولس بیان می‌کند که روم بت‌پرست تا زمانی که برچیده شد، مانع برآمدن پاپی‌گری به قدرت بود. در دوم تسالونیکیان، پولس همچنین تکیه‌گاه چارچوب Future for America را فراهم کرد، وقتی نشان داد که «مرد گناه» در آن باب همان پادشاهی نیز هست که در دانیال، باب یازدهم، آیه سی‌وشش، خود را بلند می‌سازد.

ضروری است بدانیم که افزایش معرفت در جنبش هر دو فرشته اول و سوم، مستقیماً با شهادت پولس در باب دوم تسالونیکیان پیوند داشت. در زمان پایان، در سال‌های 1798 و نیز 1989، مهر کتاب دانیال گشوده شد و بدین ترتیب فرایند آزمون سه مرحله‌ای آغاز گردید. این فرایند آزمون، همواره در تاریخی که مهر کتاب دانیال گشوده می‌شود، دو گروه پرستندگان پدید می‌آورد. لازم است نوشته‌های پولس را در پیوند با افزایش معرفت در زمان پایان ببینیم، زیرا درست در همان باب است که پولس هشدار می‌دهد کسانی که «محبت حقیقت» را نمی‌پذیرند، از سوی خدا دچار گمراهی قوی می‌شوند. این گمراهی قوی همان چیزی است که در باب دوازدهم دانیال بر شیرانی که افزایش معرفت را رد می‌کنند، نازل می‌شود. در هر دو تاریخ، این گمراهی قوی بیش از همه مستقیماً به ادونتیسیم اشاره دارد.

کسی که فراتر از ظاهر را می‌بیند و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره آنان که از نوری عظیم بهره‌مند شده‌اند، چنین می‌گوید: «آن‌ها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیران نمی‌شوند. آری، ایشان راه‌های خویش را برگزیده‌اند و جانیشان در رجاساتشان لذت می‌یابد. من نیز فریب‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌هایشان را بر آنان خواهم آورد، زیرا چون خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه مورد خشنودی من نبود برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومند خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند»، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند، «بلکه در ناراستی لذت بردند.» اشعیا ۳: ۶۶، ۴؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۲، ۱۰، ۱۲.

معلم آسمانی پرسید: «کدام گمراهی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در حقیقت بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی پیش می‌برید و در برابر بیهوشی گناه می‌کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی‌ای فریبا که بر اذهان چیره می‌شود، آنگاه که مردمانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ آنگاه که می‌پندارند ثروتمند و در دارایی فزون شده‌اند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند.»

خدا نسبت به بندگان وفادارش که جامه‌های خود را پاک و بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییر نکرده است. اما بسیاری فریاد می‌زنند: «سلامتی و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر آنان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکه انسان‌ها با اعتراف، دل‌های خود را فروتن سازند و حقیقت را همان‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز وارد آسمان نخواهند شد. هنگامی که پاک‌سازی در صفوف ما صورت گیرد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و به ثروتمندی و فزونی دارایی‌ها فخر نخواهیم کرد، گویی به هیچ چیز نیاز نداریم.

"چه کسی می‌تواند به‌راستی بگوید: 'طلای ما در آتش آزموده شده است؛ جامه‌های ما به‌وسیله دنیا لکه‌دار نشده است'؟ من دیدم که معلم ما به جامه‌های به‌اصطلاح راستکاری اشاره می‌کرد. با برکندن آن‌ها، پلیدی زیرشان را آشکار ساخت. سپس به من گفت: 'آیا نمی‌بینی چگونه به‌ریا پلیدی و پوسیدگی منش خود را پوشانده‌اند؟' چگونه شهر امین فاحشه شده است!" خانه پدرم به خانه تجارت بدل شده است، جایی که از آن حضور و جلال الهی رخت بر بسته است! از این رو سستی هست و قوتی در میان نیست." شهادت‌ها، جلد 8، 249، 250.

ادونتیسیم هنگامی که در سال ۱۸۴۴ فریاد نیمه‌شب را اعلام کرد، «شهر وفادار» بود. در سال ۱۸۶۳، فرایند رد کردن «بنیان‌هایی» را که از طریق خدمت ویلیام میلر برقرار شده بود، آغاز کرد. وقتی آنان آغاز به کنار گذاشتن حقایق بنیادی کردند و بدین‌سان آن‌ها را با جواهرات بدلی و سکه‌های تقلبی پوشاندند، در واقع داشتند بنیانی تازه می‌ساختند. کسانی که آن کار را آغاز کردند، پیش بردند و همچنان ادامه می‌دهند، در نوشته‌های روح نبوت به صورت «کسانی که نور عظیم داشته‌اند» معرفی شده‌اند.

«نور عظیمی» که روزی داشتند، در خواب میلر به صورت جواهرات درون صندوقچه‌ای بازنمایی شد؛ صندوقچه‌ای که میلر آن را روی میزی در مرکز اتاقش گذاشت و آن جواهرات فروغی درخشان‌تر از «خورشید» داشتند. در بخشی که همین‌اکنون نقل شد، خواهر وایت «آنانی را که نور عظیم داشته‌اند» اما «راه‌های خود را برگزیده‌اند» مشخص می‌کند.

آنها در سال ۱۸۶۳ راه تازه‌ای برگزیدند. او می‌گوید این «توهم فریبنده‌ای است که بر ذهن‌ها چیره می‌شود، زمانی که کسانی که روزی حقیقت را شناخته‌اند، ظاهر دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ وقتی می‌پندارند که ثروتمند و برخوردار از نعمت‌ها هستند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند».

او دارد وضعیت لاودیکایی را شناسایی می‌کند، وضعیتی که او و همسرش تشخیص داده بودند در سال ۱۸۵۶ رخ داده است. سپس به مدت هفت سال آزموده شدند، اما در سال ۱۸۶۳ در آزمون مردود شدند و شروع کردند به برپا کردن بنیادی کاذب که همان گمراهی شدید پیام هشدارآمیز پولس در تسالونیکیان را به همراه می‌آورد. هشدار پولس در تسالونیکیان لنگری برای حرکت هم در آغاز و هم در پایان ادونتیسیم است و کاملاً با رؤیای میلر همخوانی دارد، که هر دو، آغاز و پایان ادونتیسیم را مورد خطاب قرار می‌دهد. رؤیای او بیان می‌کند که هنگامی که کار بازگرداندن گوهرهای اصیل حقیقت به انجام برسد، آن حقایق ده برابر درخشان‌تر از زمانی خواهند درخشید که نخستین بار در «فریاد نیمه‌شب» در آغاز ادونتیسیم درخشیدند. چگونه است که فهم میلر اکنون روشن‌تر از زمانی می‌درخشد که او نخستین بار حقیقت را شناخت؟

چندین حقیقت بر دو جدول مقدس باب دوم حبقوق به تصویر کشیده شده‌اند. آن حقایق در رؤیای میلر به صورت جواهراتی نمایانده شده بودند که سرانجام در ایام آخر، درست پیش از «فریاد نیمه‌شب»، احیا خواهند شد. جواهرات تقلبی‌ای که در رؤیای میلر از پنجره بیرون برده می‌شوند، هم نمایانگر تعالیم کاذبی هستند که برای ایجاد بنیاد دروغین و نیز برای پنهان کردن بنیاد حقیقی به ادونتیسیم وارد

شدند، و هم نمایانگر کسانی که حاضر نیستند از تعالیم غلطی که بنیاد دروغین را می‌سازند دست بردارند. «دائمی» تکیه‌گاه چارچوب حقیقت و ویلیام میلر بود که بنیاد نخستین را برپا کرد، و در ایام آخر، «دائمی» نه تنها نماد بت‌پرستی است، چنان‌که میلر به درستی تشخیص داده بود، بلکه نماد ترمردی است که بنیاد دروغین را پدید آورد.

کتاب مقدس، روح نبوت و تاریخ همگی گواهی می‌دهند که فریاد ساعت داوری از 1798 تا 1844، اعلام پیامی بود که ویلیام میلر آن را کشف و ارائه کرد. از این‌رو آن جنبش جنبش میلری نامیده می‌شود. به‌طور منطقی، رد کردن آن جنبش به معنای رد کردن نوری است که در 1798 پدید آمد؛ نوری که دانیال آن را افزایش معرفت دانست.

اشعیا از مست‌های افرایم سخن می‌گوید و آن مست‌ها را همان مردان استهزاگری می‌شناساند که بر مردم اورشلیم حکومت می‌کنند. اشعیا تصریح می‌کند که آنان با شراب واقعی مست نیستند، بلکه با شراب روحانی مست‌اند. شراب روحانی در کتاب مقدس، بسته به سیاق، یا تعلیم راستین است یا تعلیم باطل. مست‌های افرایم از تعلیم باطل مست‌اند؛ همان شراب بابل، چنان‌که در فصل هفدهم مکاشفه به‌وسیله فاحشه صور و نیز به‌وسیله بلشصر در آخرین شب عیش و نوشش نمایانده شده است.

اشعیا پیامدهای مستی معنوی‌ای را که بر مردان استهزاگر حاکم بر مردم اورشلیم عارض می‌شود، شناسایی کرد.

درنگ کنید و در شگفت شوید؛ فریاد برآورید و فریاد بزنید: آنان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از نوشیدنی مست‌کننده قوی. زیرا خداوند بر شما روح خوابی عمیق ریخته و چشمانتان را بسته است؛ پیامبران و حاکمانتان، یعنی بینایان را پوشانده است. و تمام رؤیا برای شما همچون سخنان کتابی مهر و موم‌شده گشته است که آن را به شخصی دانش‌آموخته می‌سپارند و می‌گویند: از تو می‌خواهم این را بخوانی؛ و او می‌گوید: نمی‌توانم، زیرا مهر و موم شده است. و کتاب را به کسی که بی‌سواد است می‌سپارند و می‌گویند: از تو می‌خواهم این را بخوانی؛ و او می‌گوید: من باسواد نیستم. بنابراین خداوند گفت: چون این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌هایشان مرا حرمت می‌نهند، اما دل خود را از من دور ساخته‌اند، و ترسشان از من بر وفق تعلیمات آدمیان آموخته شده است، از این‌رو، اینک در میان این قوم کاری شگرف انجام خواهم داد، کاری شگرف و شگفتی؛ زیرا حکمت حکیمانشان نابود خواهد شد و فهم خردمندانشان پنهان خواهد گشت. وای بر آنان که در ژرفا می‌کوشند رأی خود را از خداوند پنهان کنند و کارهایشان در تاریکی است، و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی ما را می‌شناسد؟ بی‌گمان و ارونگی شما همچون گل کوزه‌گر انگاشته خواهد شد؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خود می‌گوید: او مرا نساخته است؟ یا آیا آنچه سرشته شده است درباره صورتگر خود می‌گوید: او فهم ندارد؟ اشعیا ۲۹:۱۶-۱۹.

خواهر وایت این آیات را نقل می‌کند و سپس می‌افزاید:

هر کلمه از این سخن تحقق خواهد یافت. هستند کسانی که دل‌های خود را نزد خدا فروتن نمی‌کنند و راستکارانه گام بر نمی‌دارند. مقاصد حقیقی خود را پنهان می‌سازند و در رفاقت با فرشته سقوط کرده—که دروغ را دوست می‌دارد و به‌جا می‌آورد—باقی می‌مانند. دشمن روح خود را بر کسانی می‌نهد که می‌تواند از آنان برای فریفتن آنان که تا حدی در تاریکی‌اند، استفاده کند. برخی آغشته به تاریکی حاکم می‌شوند و حقیقت را کنار گذاشته، خطا را برمی‌گزینند. روزی که نبوت بدان اشاره کرده بود فرا رسیده است. عیسی مسیح فهمیده نمی‌شود. عیسی مسیح برای آنان افسانه‌ای بیش نیست. در این مرحله از تاریخ زمین، بسیاری چون مستان رفتار می‌کنند. 'درنگ کنید و شگفت‌زده شوید؛ فریاد برآورید و فریاد کنید؛ آنان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو

می‌خورند، اما نه از نوشیدنی مست‌کننده. زیرا خداوند روح خواب عمیق بر شما ریخته و چشمانتان را بسته است. او پیامبران و حاکمان شما، یعنی بینایان را، پوشانیده است. مستی روحانی دامنگیر بسیاری شده که می‌پندارند همان مردمی‌اند که سرافراز خواهند شد. ایمان دینی آنان درست همان است که این آیه وصف می‌کند. زیر نفوذ آن، نمی‌توانند راست راه بروند. در مسیر عملشان راه‌های کج می‌سازند. یکی و دیگری پی‌درپی، به این سو و آن سو تلوتلو می‌خورند. خداوند با شفقت بسیار بر آنان می‌نگرد. راه حقیقت را نشناخته‌اند. آنان حيله‌گران علم‌پیشه‌اند، و کسانی که می‌توانستند و می‌بایست به سبب بینایی روشن روحانی یاری دهند، خود فریب خورده‌اند و کاری شریانه را پشتیبانی می‌کنند.

تکلیف تحولات این روزهای واپسین به زودی روشن خواهد شد. هنگامی که آشکار شود که این فریب‌های روح‌گرایانه در حقیقت همان اعمال پنهانی ارواح شریرند، کسانی که در آن‌ها نقشی داشته‌اند مانند کسانی خواهند شد که عقل خود را از دست داده‌اند.

از این رو خداوند می‌فرماید: چون این قوم با دهان به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خود مرا حرمت می‌نهند، اما دل‌هایشان را بسیار از من دور ساخته‌اند، و ترسشان از من بر حسب تعالیم انسانی آموخته شده است؛ بنابراین، اینک من در میان این قوم کاری شگرف به‌جا خواهم آورد، آری کاری شگفت و اعجاب‌انگیز؛ زیرا حکمت دانایانشان نابود خواهد شد و فهم خردمندانشان پنهان خواهد شد. وای بر آنان که عمیقاً در پی پنهان ساختن تدبیر خود از خداوندند، و کارهایشان در تاریکی است، و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند، و چه کسی ما را می‌شناسد؟ به راستی وارونه‌کاری شما همچون گل کوزه‌گر شمرده خواهد شد؛ زیرا آیا ساخته می‌تواند درباره سازنده خود بگوید: او مرا ساخت؟ یا آیا آنچه صورت یافته است می‌تواند درباره صورت‌دهنده‌اش بگوید: او هیچ فهمی نداشت؟

بر من آشکار شده است که در تجربه خود، با همین وضعیت روبه‌رو بوده‌ایم و هستیم. کسانی که نور عظیم و امتیازات شگفتی داشته‌اند، سخن رهبرانی را پذیرفته‌اند که خود را دانا می‌پندارند، که بسیار مورد لطف و برکت خداوند بوده‌اند، اما خود را از دست خدا بیرون کشیده و در صفوف دشمن قرار داده‌اند. جهان با مغالطات موجه‌نما غرق خواهد شد. ذهنی انسانی، با پذیرفتن این مغالطات، بر ذهن‌های انسانی دیگر اثر خواهد گذاشت؛ بر کسانی که شواهد گران‌بهای حقیقت خدا را به دروغ می‌گردانند. این مردان به دست فرشتگان سقوط کرده فریب خواهند خورد، در حالی که می‌بایست چون پاسداران وفادار بایستند و از جان‌ها نهبانی کنند، چون آنان که باید حساب پس بدهند. سلاح‌های پیکار خود را بر زمین نهاده‌اند و به ارواح فریبنده گوش سپرده‌اند. آنان مشورت خداوند را بی‌اثر می‌سازند و هشدارها و تویخ‌های او را کنار می‌گذارند، و بی‌تردید در جانب شیطان‌اند، گوش سپرده به ارواح فریبنده و تعالیم شیاطین.

مستی روحانی اکنون دامنگیر مردمی شده است که نباید چون کسانی که تحت تأثیر شراب قوی‌اند تلوتلو بخورند. جرایم و ناهنجاری‌ها، تقلب، فریب و معاملات ناعادلانه جهان را پر کرده‌اند، مطابق آموزه‌های آن پیشوایی که در بارگاه‌های آسمانی سر به شورش برداشت.

"تاریخ تکرار خواهد شد. می‌توانم مشخص کنم که در آینده‌ی نزدیک چه رخ خواهد داد، اما هنوز وقتش نرسیده است. شمایل‌های مردگان از طریق تدبیر مکارانه‌ی شیطان پدیدار خواهند شد، و بسیاری به آن که دروغ را دوست می‌دارد و می‌سازد خواهند پیوست. به مردم‌مان هشدار می‌دهم که درست در میان خود ما، برخی از ایمان روی‌گردان خواهند شد و به ارواح فریبنده و تعالیم شیاطین گوش خواهند سپرد، و به سبب آنان از حقیقت بدگویی خواهد شد." نامه‌های بتل کریک، 125-123.

همه پیامبران، از جمله اشعیا و خواهر وایت، روزهای آخر را شناسایی می‌کنند. در این روزها رهبران ادونتیسیم «قطعاً در صف شیطان قرار دارند و به ارواح فریبنده و تعالیم شیاطین گوش می‌سپارند.» خواهر وایت با این سخن پیشگویی‌ای مطرح می‌کند: «وقتی این فریب‌های روح‌گرایانه آشکار شود که در حقیقت چه هستند—یعنی فعالیت‌های پنهانی ارواح شریر—کسانی که در آنها نقش داشته‌اند مانند انسان‌هایی خواهند شد که عقل خود را از دست داده‌اند.» رهبری ادونتیسیم در آن برهه از تاریخ روزهای آخر، وقتی مستی آنان آشکار شود که «فعالیت‌های پنهانی ارواح شریر» است، مانند کسانی خواهند شد که عقل خود را از دست داده‌اند.

در روزهای آخر، مهر کار مردان استهزاگری که بر مردم اورشلیم حکومت می‌کنند گشوده می‌شود. آن مهرگشایی در رؤیای میلر به تصویر کشیده شد؛ زمانی که میلر دعا کرد و سپس دری گشوده شد. این درست اندکی پیش از آن رخ می‌دهد که او برای لحظه‌ای چشمانش را بست، و پایان فرایند مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند. گشوده شدن یک در نشان‌دهنده دگرگونی دوران‌های تدبیر الهی است، و در آن نقطه، جنبش لاودیکه‌ای فرشته سوم به جنبش فیلادلفیایی فرشته سوم گذر می‌کند.

در فرازی از کتاب اشعیا، خلاصه‌ای از کردار شریرانه می‌گساران افزایش آمده است؛ همان مردانی که «می‌بایست همچون نگهبانان وفادار ایستادگی می‌کردند.» این خلاصه چنین بیان شده است: «بی‌گمان وارونه‌کردن امور از سوی شما به منزله گل کوزه‌گر شمرده خواهد شد؛ زیرا آیا ساخته از سازنده خویش می‌گوید: مرا او ساخت؟ یا آیا آنچه صورت داده شده است درباره آن که آن را صورت داد می‌گوید: او فهم نداشت؟»

شناسایی میلر از «روزانه» به‌عنوان دین بت‌پرستی یا روم بت‌پرست، در نهایت نمادی از شیطان است، زیرا شیطان و روم بت‌پرست هر دو به‌صورت اژدها تصویر می‌شوند.

«از این رو، هرچند اژدها در وهله نخست نمایانگر شیطان است، در معنای ثانوی نماد روم بت‌پرست است.» مناقشه عظیم، ۴۳۹.

درباره مردانی که در روزهای آخر بر اورشلیم حکومت می‌کنند، خواهر وایت می‌گوید: «برخی دارند از تاریکی غالب سرشار می‌شوند و حقیقت را کنار می‌گذارند و به جای آن خطا را می‌پذیرند. روزی که نبوت بدان اشاره کرده بود، فرا رسیده است. عیسی مسیح را درک نمی‌کنند. عیسی مسیح برای آنان افسانه‌ای بیش نیست.» در سال ۱۹۰۱، یکی از رهبران ادونتیسیم از آلمان، شروع به ترویج دیدگاه نادرست پروتستان‌تیسیم مرتد درباره «روزانه» در کتاب دانیال کرد. آن دیدگاه «روزانه» را نمایانگر کار عیسی مسیح در مقدسگاه می‌داند، یا گونه‌ای از همان اندیشه. می‌گویم «گونه‌ای»، زیرا در تاریخ پس از ۱۹۰۱ تأکیدهای متفاوتی بر آن ناراستی گذاشته شده است، اما آن دیدگاه‌های نادرست همیشه به این نتیجه می‌انجامد که «روزانه» نمایانگر نوعی از کار عیسی مسیح است.

آن گوهر، یعنی آموزه «daily» «daily» که میلر آن را نمادی شیاطانی دانسته بود، در ادونتیسیم روزهای واپسین، نماد مسیح است. وقتی این دیدگاه در سال ۱۹۰۱ مطرح شد، بسیار اندک بودند کسانی که پذیرفتند «daily» «daily» نماد مسیح است، نه نماد شیطان؛ اما تا دهه ۱۹۳۰، آن گوهر آموزه «daily» «daily» — که میلر آن را از رگه حقیقت موجود در دوم تسالونیکیان، فصل دوم، بیرون کشیده بود — رد شد، همان‌گونه که «هفت بار» لاویان فصل ۲۶ در سال ۱۸۶۳ رد شده بود. در جایی از فاصله میان ۱۸۶۳ تا دهه ۱۹۳۰، ادونتیسیم، بی‌آنکه متوجه شود، رهبران خود را عوض کرده بود.

ای برادران، خطری را که شما را تهدید می‌کند می‌بینم و باز می‌پرسم: آیا شما که دچار خطا شده‌اید، هیچ تلاشی برای اصلاح آن می‌کنید؟ ممکن است نفوس بلغزند و در تاریکی راه روند،

زیرا برای گام‌های خود راه‌های راست را هموار نکرده‌اید. اگر در جایگاه‌های مورد اعتماد هستید، با اصرار بیشتری از شما می‌خواهم که به خاطر جان‌های خود و به خاطر کسانی که شما را راهنما می‌دانند، برای هر خطایی که رخ داده است در برابر خدا توبه کنید و خطای خود را اعتراف نمایید.

اگر لجابت دل را در خود بپروانید و از سر غرور و خودحق‌پنداری خطاهای خود را اعتراف نکنید، در معرض وسوسه‌های شیطان واگذار خواهید شد. اگر هنگامی که خداوند خطاهای شما را آشکار می‌کند توبه نکنید یا اعتراف نیاورید، مشیت او شما را بارها و بارها از همان مسیر خواهد گذراند. واگذاشته می‌شوید تا خطاهایی از همان سنخ مرتکب شوید، همچنان از حکمت بی‌بهره خواهید ماند، و گناه را راستکاری و راستکاری را گناه خواهید نامید. انبوه فریب‌هایی که در این روزهای آخر غالب خواهند شد شما را در بر خواهد گرفت، و رهبران خود را عوض خواهید کرد، و نخواهید دانست که چنین کرده‌اید. ریویو اند هرالد، ۱۶ دسامبر ۱۸۹۰.

مردان استهزاگری که بر مردم اورشلیم حکومت می‌کنند، که همان مردانی‌اند که «در مناصب مورد اعتماد» هستند، «گناه را پارسایی و پارسایی را گناه» خواهند خواند، و «بی‌گمان وارونه کردن کارهایتان همچون گل کوزه‌گر محسوب خواهد شد؛ آیا ساخته درباره سازنده خود می‌گوید: او مرا نساخته است؟ یا آنچه صورت‌بندی شده درباره صورت‌بند خود می‌گوید: او فهمی نداشت؟» در شورش تدریجی طی چهار نسل ادونتیسیم، آنان که در مناصب مورد اعتمادند، رهبران را تغییر می‌دهند و خود از آن آگاه نیستند. آنان این را نمی‌دانند، زیرا به تدریج و پیوسته شواهد خطاهای خویش را رد کرده‌اند. در آن شورش تدریجی «حکمت حکیمان‌شان نابود خواهد شد و فهم خردمندان‌شان پنهان خواهد گشت.»

آنها همه چیز را وارونه خواهند کرد و گناه را راستکاری و راستکاری را گناه خواهند خواند. نماد این شورش تعلیم «روزانه» است؛ چیزی که برای میلر نمادی شیطانی بود و ادونتیسیم امروز آن را نماد مسیح می‌شمارد. آنچه زمانی لنگری بود که چارچوب کاربردهای نبوی ویلیام میلر را استوار می‌ساخت، اکنون به نماد مستی مردان استهزاگری بدل شده است که بر مردم اورشلیم حکم می‌رانند. نمادپردازی مرتبط با «روزانه» در کتاب دانیال، هنگامی که در آغاز ادونتیسیم در صندوقچه میلر شناخته شد، چون خورشید می‌درخشید؛ اما در روزهای آخر آن حقیقت ده برابر درخشان‌تر می‌درخشد، زیرا عدد ده نماد یک آزمون است و برای اسرائیل باستان، آزمون دهم آزمون نهایی بود.

فریسیان امروزی "اعمال مسیح" را "به عوامل شیطانی" نسبت داده‌اند و "وثن‌پرستی را" قدرت مقدس خدا معرفی کرده‌اند.

فریسیان بر ضد روح‌القدس گناه کردند. هنر سخنوری‌شان برای اهانت به نجات‌دهنده جهان به کار گرفته شد، و فرشته ثبت‌کننده سخنان‌شان را در کتاب‌های آسمانی نوشت. قدرت مقدس خدا را که در کارهای مسیح ظاهر شده بود به عوامل شیطانی نسبت دادند. آنان نمی‌توانستند کارهای شگفت‌انگیز او را انکار کنند یا آنها را به علل طبیعی نسبت دهند، پس گفتند: «اینها کارهای شیطان است.» در بی‌ایمانی، از پسر خدا همچون صرفاً یک انسان سخن گفتند. کارهای شفابخشی که پیش چشم‌شان انجام شد—کارهایی که هیچ انسانی نکرده بود و نمی‌توانست بکند—تجلی قدرت خدا بود؛ اما آنان مسیح را به هم‌دستی با جهنم متهم کردند. لجوج، عبوس و سنگ‌دل، تصمیم گرفتند چشمان خود را بر هرگونه دلیل ببندند، و بدین‌سان مرتکب گناه نابخشودنی شدند. انتشارهای دست‌نوشته، جلد ۴، صفحه ۳۶۰.

ما بررسی خود را درباره افزایش دانش، که مهر آن در جنبش فرشته نخستین گشوده شد، در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.